

کناه آفت نفس

(نگرشی بر ناهنجاریهای فردی و اجتماعی کناه)

محمد جهان

سرشناسه : جهان ، مجید ، ۱۳۴۷ -
عنوان و نام پدیدآور : گناه آفت نفس / مجید جهان.
مشخصات نشر : دزفول : اهورا قلم، ۱۳۹۱
مشخصات ظاهری : ۱۵۷ ص.
شابک : ۳-۵۸-۸۹۴۲-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : کتابنامه : ص. ۱۵۳-۱۵۷.
موضوع : گناه (اسلام)
موضوع : گناه (اسلام) -- جنبه های قرآنی
موضوع : توبه (اسلام)
رده بندی کنگره : ۱۳۹۱ ج۹/۶:BP۲۵۵
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۴
شماره کتابشناسی ملی : ۲۸۱۸۰۹۴



گناه آفت نفس

نویسنده : مجید جهان

ویراستار : سیده مهشید پیام

انتشارات : اهورا قلم

قطع : رقعی

نوبت چاپ : اول - پاییز ۱۳۹۱

چاپ : الهادی

تیراژ : ۱۰۰۰ نسخه

قیمت : ۵۰۰۰ تومان

شابک : ۳-۵۸-۸۹۴۲-۹۶۴-۹۷۸ ISBN:978-964-8942-58-3

ahora.ghalam@yahoo.com

www.ahora-ghalam.ir

آدرس : دزفول ، خیابان اکباتان ، بین خ میرداماد و خ قاضی ، کوچه بنفشه ، پلاک ۱۹۴

شماره تماس : ۰۹۱۶۶۴۱۵۸۹۴ - ۰۶۴۱۳۲۴۹۱۳۴

فهرست

صفحه	عنوان
۶	پیش گفتار
۸	دیباچه
۱۰	مقدمه
۱۷	<u>بخش اول :</u> گناه شناسی
۳۳	<u>بخش دوم :</u> علت گناه
۵۱	<u>بخش سوم :</u> آثار گناه
۷۴	<u>بخش چهارم :</u> اقسام گناه
۹۱	<u>بخش پنجم :</u> تزکیه نفس
۱۱۴	<u>بخش ششم :</u> ضرورت توبه و بازگشت
۱۲۵	<u>بخش هفتم :</u> عواقب شبهه و فتنه
۱۵۱	<u>منبع شناسی</u>
۱۵۵	<u>مأخذ</u>

بسم الله الرحمن الرحيم

آن روز که خداوند رحمان گِل آدمی را از (صلاصل کالفخار) سرشت، آدمی موجودی بود همانند سایر موجودات هستی تا اینکه رب العالمین بر این موجودات ضعیف منت نهاد و از روح خود بر او دمید و خلعت زیبای خلیفه الهی را بر اندام جان او پوشاند. جان آدمی نورانی شد به نور خدا و چیزی از ظلمت بر او نبود.

نورانیت جان آدمی با نبود اطاعت از خدا به ظلمت می گراید آرام پیش می رود تا از تلالؤ نور الهی کاسته می شود و همه‌ی جانش را ظلمت فرا می گیرد و آن خلیفه الله تبدیل به حیوان می گردد و شاید هم پست تر (کالانعام بل هم اضل).

اطاعت خداوند نورانیت محض است برای جان انسان و گناه ظلمت روح او. در وادی فقه مقدس اسلام ترک واجبات دینی معصیت است. در لابه‌لای کتب اخلاق آنجا که نبایدها را مرتکب شویم معصیت کرده‌ایم. در نگاه جامعه شناسان، گناه ناهنجاری اجتماعی تعریف می شود.

گناه، ترک واجبات و انجام معاصی است، ترک معروف و عمل به منکر. پس لازم است هر انسان مکلفی معروف و منکر را بیاموزد و خوب بشناسد و برای حفظ نورانیت جانش عامل به معروف باشد و از منکرات دوری کند. چرا که علم مقدمه عمل است و دانش چراغ راه عامل. آنجا که دانش آمیخته با تعبد گردد و آدمی عبد خداوند شود نورانیت تمام وجودش را فرا می گیرد. از باب تقوای الهی مطیع او می گردد و در عمل از دیگران سبقت می گیرد و روی از گناه برمی گرداند که بزرگان سیر و سلوک اولین گام را اراده می دانند و سپس انجام واجبات و ترک محرمات، تا دوری از گناه حاصل شود و زمینه بندگی ایجاد گردد.

دکتر یدالله پورفیاض

بسم الله الرحمن الرحيم

دیباچه

در حیرتم که چه نویسم، روی سخنم با کیست؟ با خفته است یا بیدار؟ اگر با خفته است خفته را خفته کی کند بیدار و اگر با بیدار است بیدار در کار خود بیدار است و آنکه بی نویسنده چه نویسد که خود نامه‌ی سیاه و از دست خویشتن در فریاد است.

چندی است که این شوریده در بی‌تابی و آشفتگی و شگفتی به سر می‌برد، از این روی بر سر آن شد که دست به کاری زند تا آرام گیرد. چاره‌ای یا بهانه‌ای جز سیاه کردن روی بر که‌ی سفید ندید. آری چگونه پریشان نباشد کسی که چهل سال از او بگذشت و هنوز از خود نگذشت. خرسند آنکه در آغاز زندگانش بیدار بود و از بیداریش برخوردار.

آه که روزگار آشفته و پریشانی داشتیم و در خود جز السوس و شرمندگی نمی‌بینیم و از فراگرفتن دانش‌ها و فروگفتن گفتارها و نمودار کردارهای خود جز سرشکستگی و دل‌مردگی و تن‌خستگی سودی نبردیم، تنها از آفریدگار شرم بداریم نه از آفریده‌هایش. بگذار تا دیگران از تو رنگ بگیرند نه تو از آنان.

اگر اهل دلی، دل را آگاه دار که آدمی را رسوم عموم عوام و گاهی هم همسر و اولاد و اموال و مقام و دیگر امور وی دام و سدّ راه می گردند. پس مواظب باش، با عصای احتیاط حرکت کن که هر خطا ممکن است تو را به بیراهه‌ای ببرد که قابل برگشت نباشد. پس زبان و نگاه و رفتار و کردار و اندیشه‌ات را حفظ کن. مخصوصاً زبان این موجود کوچکی که جرم هایش بزرگ است و گاهی غیرقابل بخشش. «اللّسانة جرمه صغیر و جرمه کبیر».

مجید جهان

بنام آن یگانه

مقدمه

بسیاری از مردم و فلاسفه‌ی جهان در گذشته و حال، سعادت بشر را در سرکوبی غرایز حیوانی و خاموش کردن تمایلات جنسی می‌دانستند. این عقیده در دیای غرب و سایر نقاط جهان طرفداران بسیاری داشته و این طور می‌پنداشتند که با این روش از چنگال شهوات حیوانی رهایی یافته و به حقیقت واقعی رسیده‌اند.

گروهی دیگر برخلاف این دسته عقیده دارند که بشر باید تا سر حد امکان از غریزه جنسی بهره بگیرد و به هیچ گونه قید و بندی پایبند نباشد و تنها در صفحه‌ی زندگی، شهوت براند.

این دسته که تنها مفهوم حقیقی زندگی را در شهوت یافته و از تمام فضایل و سجایای اخلاقی بری می‌باشند و گروه اول که به طور کلی غریزه جنسی را بیهوده پنداشته‌اند، از نظر اسلام که یک آیین جهانی می‌باشد و دارای قوانین سعادت بخشی است، در اشتباه به سر برده‌اند و در مسیری غلط گام برمی‌دارند.

آیین مقدس اسلام نه تنها استفاده و ارضاء غرایز جنسی را که یکی از خواسته‌های فطری بشر است جایز دانسته بلکه آن را از شئون

سعادت و خوشبختی مردم معرفی نموده است ولی تا اندازه‌ای لذت بردن از تمایلات نفسانی را ضروری دانسته که موجب بدبختی و سرنگون شدن انسان در منجذاب شهوات نگردد و خوشبختی او مورد تهدید قرار نگیرد. زیرا اسلام نه تنها لذاتی را که مخالف با سجایای اخلاقی و انسانی و تقوی و ایمان می باشد جایز ندانسته بلکه شدیداً انجام آن را منع نموده است. یعنی نه آنقدر به بشر آزادی عمل می دهد که انسان هرگونه استفاده ناشایستی را از آن بنماید و نه به طور کلی آن را مطرود می شمارد، بلکه همانند قوانین دیگرش حدّ متعالی و ساده‌ای را انتخاب نموده است.

اصولاً اگر غریزه‌ای از حدّ تعادل خود خارج گردد، زیان‌های جبران‌ناپذیری به بار خواهد آورد. یکی از بزرگترین ضررهای آزادی انسان در شهوات این است که کار انسان به جایی می رسد که در برابر تمایلات سرکش خود، مطیع می گردد به طوریکه هرگز قادر نیست از چنگال آن فرار کند و مانند یک برده، فرمانبر آن خواهد شد. سخن حضرت علی^(ع) در مورد چنین انسانی مصداق می باشد: «عبدالشهوة اذل من عبدالرق». «هر کس بنده نفس و احساسات خود گردد به مراتب ذلیل‌تر از کسی است که برده و غلام دیگران شده است.» چنین فردی از لحاظ روانپزشکی مریض است و از لحاظ روانکاوی دچار انحراف خودپرستی شده، چنین موجودی با وجود این

دگردیسی و استحاله حیوانی دیگر حق ندارد نام انسان را روی خود بگذارد و در «آیه ۱۷۹ سوره آل عمران» آمده که تنها وقتی می تواند انسان باشد که این خوی حیوانی را در نهاد خود سرکوب کند و از مرحله ی حیوانی به مقام انسانی تکامل یابد.

خودپرست محرف در مرحله عشق به هم جنس که از نظر روانکاوی «هموسکوالیسم» نامیده می شود قبل از وصول به هدف تولیدنسل و تماس به هدف جنسی، حالت انحرافی دیگری در خود احساس می کند. در این مرحله مظهر شهوت بدون توجه به هدف اصلی خود که تولیدنسل است، روی اعضای چشم متمرکز شده تولید افراط می نماید. بر این اساس آغاز شهوات حیوانی از راه انحراف چشم چرانی بوجود می آید که این هم خود از گناهان بزرگ می باشد که اگر انسان به آن دچار شود خیلی مشکل است که از مناظر زیبای زنان و دختران و حتی پسران چشم پوشی کند و ترک عادت موجب مرض است و وقتی نگاه نکند فکر می کند چیزی را از دست داده است.

من آنچه دیده ام، ز دل و دیده دیده ام

گاهی بود ز دل گله، گاهی ز دیده ام

من آنچه دیده ام ز دل و دیده تاکنون

از دل ندیده ام، همه از دیده دیده ام